

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

کفتارهای دباره آزادی

دکتر حسن مجیدی

با مقالاتی از:

(به ترتیب حروف الفبا):

دکتر محمدرضا احمدی طباطبایی، دکتر اصغر افتخاری،
دکتر ناصر جمالزاده، دکتر علی خلیلی، دکتر جلال درخشه،
دکتر جبار شجاعی، دکتر فرشاد شریعت، دکتر اسحاق سلطانی،
دکتر حسن مجیدی، دکتر مهدی نادری باب اناری.



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: گفتارهایی درباره آزادی
تألیف: دکتر حسن مجیدی و همکاران
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
صفحه آرا: رضا عبداللهی بجندی
طراح جلد: محمد حسین بصیری
نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۴۰۴ / قیمت: ۶/۵۰۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۷۹-۴

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳. تلفن مرکز پخش: ۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
E-mail: pub@isu.ac.ir • <https://isupub.ir> • فروشگاه اینترنتی:

سرشناسه: مجیدی، حسن
عنوان و نام پدیدآور: گفتارهایی درباره آزادی/ تألیف: حسن مجیدی و همکاران.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۷۹-۴
موضوع: آزادی
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
رده بندی کنگره: JC ۵۸۵
رده بندی دیویی: ۳۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۳۶۵۲۲۷

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

سخن ناشر	۱۷
پیشگفتار	۱۹
مقدمه	۲۳
بخش اول: آزادی در اندیشه سیاسی غرب	۳۱
گفتار اول: جایگاه «آزادی» در فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو / حسن مجیدی، مهدی نادری	
باب اناری	۳۳
گفتار دوم: تحول مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی غرب / فرشاد شریعت	۶۱
گفتار سوم: بررسی تفکیک آزادی منفی از آزادی مثبت در آراء آیزایا برلین بر مبنای هرمنوتیک	
کوئنتین اسکینر / حسن مجیدی، اسحاق سلطانی	۸۳
بخش دوم: آزادی در اندیشه سیاسی اسلام و ایران	۱۲۵
گفتار چهارم: آزادی سیاسی در اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) / جلال درخشه،	
جبار شجاعی	۱۲۷
گفتار پنجم: مطالعه تطبیقی اندیشه آزادی در آراء علماء و روشنفکران مشروطه / ناصر جمال زاده،	
سید محمد حسن نعمتی	۱۵۳
گفتار ششم: مقایسه متمم قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر مسئله	
آزادی / سید محمد رضا احمدی طباطبائی، اسحاق سلطانی	۲۰۱
گفتار هفتم: آزادی در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی / مهدی نادری باب اناری	۲۳۱
گفتار هشتم: نسبت عدالت و آزادی: مقایسه آراء شهید مطهری و جان رالز /	
علی خلیلی، محمد رضا احمدی طباطبائی	۲۵۹
گفتار نهم: آزادی در آراء و اندیشه های آیت الله جوادی آملی / مهدی نادری باب اناری	۲۸۵

گفتار دهم: تحول انگاره «آزادی» در ساخت دولت و نظام سیاسی تسنن / حسن مجیدی، مهدی	
نادری باب اناری.....	۳۱۱
گفتار یازدهم: آزادی و امنیت / اصغرافتخاری	۳۴۵
نمایه	۳۶۵

فهرست تفصیلی

سخن ناشر	۱۷
پیشگفتار	۱۹
مقدمه	۲۳
بخش اول: آزادی در اندیشه سیاسی غرب	۳۱
گفتار اول: جایگاه «آزادی» در فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو / حسن مجیدی، مهدی نادری باب اناری	۳۳
چکیده	۳۳
مقدمه	۳۴
۱. مبانی مفهومی	۳۵
۲. روش در پژوهش	۳۸
۳. زمینه و زمانه یونان باستان	۴۲
۴. «امر آزادی» در دیدگاه افلاطون و ارسطو	۴۶
۴-۱. آزادی به مثابه وصف فعل انسان	۴۶
۴-۲. آزادی به مثابه وصف حکومت و حوزه عمومی	۴۸
۴-۳. آزادی به مثابه وصف جنس انسان	۵۴
نتیجه‌گیری	۵۷
یادداشت‌ها	۵۸
منابع	۵۸
گفتار دوم: تحول مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی غرب / فرشاد شریعت	۶۱
چکیده	۶۱
مقدمه	۶۲

۱. آزادی در پرتو حکمت دولت	۶۳
۲. آزادی در پرتو شریعت	۶۵
۳. بن‌بستی به نام تومیس	۶۷
۴. آزادی در پرتو حکومت با قانون	۷۰
۵. آزادی در پرتو حکومت در قانون	۷۵
نتیجه‌گیری	۷۹
منابع	۸۰
گفتار سوم: بررسی تفکیک آزادی منفی از آزادی مثبت در آراء آیزایا برلین بر مبنای هرمنوتیک کوئنتین اسکینر/ حسن مجیدی، اسحاق سلطانی	
چکیده	۸۳
مقدمه	۸۴
۱. روش پژوهش: هرمنوتیک روشی کوئنتین اسکینر	۸۵
۱-۱. چیستی معنا	۸۵
۱-۲. چیستی متن	۸۶
۱-۳. فهم متن	۸۶
۱-۴. استلزامات روشی اسکینر	۸۷
۲. زمینه سیاسی - اجتماعی کنش	۹۱
۲-۱. از ریگا تا آکسفورد، سیر زندگانی برلین	۹۱
۲-۲. جنگ جهانی دوم	۹۳
۲-۳. اتمام جنگ و آغاز دوباره کمونیسم	۹۴
۳. زمینه نظری کنش	۹۵
۳-۱. زمینه نظری ستیزنده	۹۵
۳-۱-۱. کمونیسم	۹۵
۳-۱-۲. فاشیسم	۹۷
۳-۲. زمینه نظری حمایتگر	۹۸
۳-۲-۱. آراء کارل ریموند پوپر	۹۸
۳-۲-۲. آراء هانا آرنست	۱۰۰

۴. متون برلین	۱۰۲
۱-۴. مبانی نظری آزادی	۱۰۲
۱-۱-۴. کثرت گرایی تعدیل یافته	۱۰۲
۲-۱-۴. سرشت ناپایدار و متغیر بشر	۱۰۴
۳-۱-۴. قدرت انتخاب	۱۰۵
۴-۱-۴. آزادی، غایتی در خود	۱۰۶
۲-۴. مفاهیم دوگانه آزادی	۱۰۷
۱-۲-۴. آزادی منفی	۱۰۷
۲-۲-۴. آزادی مثبت	۱۰۸
۳-۴. انحراف در مفاهیم دوگانه آزادی	۱۰۹
۱-۳-۴. انحراف در آزادی منفی	۱۰۹
۲-۳-۴. انحراف در آزادی مثبت	۱۱۰
۵. نقد دیدگاه برلین	۱۱۲
۱-۵. عدم ضرورت منطقی بین عقاید وحدت انگار و خودکامگی	۱۱۳
۲-۵. عدم تمایز دقیق دو مفهوم آزادی	۱۱۴
۳-۵. رابطه خودتحقق بخشی و آزادی مثبت	۱۱۵
۴-۵. طرح محدود آزادی	۱۱۶
نتیجه گیری	۱۱۸
منابع	۱۲۰
بخش دوم: آزادی در اندیشه سیاسی اسلام و ایران.....	۱۲۵
گفتار چهارم: آزادی سیاسی در اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) /	
جلال درخشه، جبار شجاعی	۱۲۷
چکیده	۱۲۷
مقدمه	۱۲۸
۱. چهارچوب مفهومی و نظری	۱۳۰
۱-۱. مفاهیم	۱۳۰
۱-۱-۱. آزادی	۱۳۰

۱۳۰	۲-۱-۱. آزادی سیاسی
۱۳۲	۲-۱. چهارچوب نظری
۱۳۲	۱-۲-۱. نظام سیاسی تغلب (سلطه‌گری استبدادی)
۱۳۳	۲-۲-۱. نظام سیاسی جماعیه یا احرار (آزادها)
۱۳۴	۳-۲-۱. نظام سیاسی فاضله
۱۳۶	۲. آزادی سیاسی در حکومت امام (علیه السلام)
۱۳۸	۱-۲. میانی آزادی سیاسی در کردار و گفتار امام
۱۳۸	۱-۱-۲. خلافت الهی
۱۳۹	۲-۱-۲. امامت و رهبری
۱۳۹	۳-۱-۲. ستم‌زدایی (استبدادستیزی) و استکبارستیزی
۱۴۰	۴-۱-۲. آزادی همراه با مسئولیت و حق انتخاب
۱۴۱	۵-۱-۲. آزادی عقیده و بیان
۱۴۲	۲-۲. اصول آزادی سیاسی
۱۴۲	۱-۲-۲. حق آگاهی
۱۴۳	۲-۲-۲. حق نظارت
۱۴۳	۳-۲-۲. حق اعتراض و شکایت
۱۴۴	۴-۲-۲. ارشاد
۱۴۵	۵-۲-۲. مشورت
۱۴۶	۶-۲-۲. رعایت حقوق و مصالح مردم
۱۴۷	۳-۲. پیامدهای آزادی سیاسی
۱۴۷	۱-۳-۲. مشارکت مردمی
۱۴۸	۲-۳-۲. گرایش مردم به دین
۱۴۹	۳-۳-۲. جلب رضایت مردم و بالابردن کارآمدی نظام سیاسی
۱۴۹	نتیجه‌گیری
۱۵۰	منابع

گفتار پنجم: مطالعه تطبیقی اندیشه آزادی در آراء علماء و روشنفکران مشروطه /	
ناصر جمال زاده، سید محمد حسن نعمتی	۱۵۳
چکیده	۱۵۳
مقدمه	۱۵۴
۱. آشنایی ایرانیان با مفهوم جدید آزادی	۱۵۶
۲. آزادی در گفتمان اسلامگرا	۱۵۹
۱-۲. علمای مشروطه خواه	۱۶۰
۱-۱-۲. آیت الله میرزا محمد حسین نائینی	۱۶۰
۲-۱-۲. ملا عبد الرسول کاشانی	۱۶۵
۳-۱-۲. شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی	۱۷۰
۲-۲. علمای مشروطه خواه	۱۷۲
۱-۲-۲. شیخ فضل الله نوری	۱۷۲
۲-۲-۲. میرزا علی اصفهانی	۱۷۶
۳. گفتمان ملی گرا	۱۷۸
۱-۳. میرزا یوسف خان مستشار الدوله تبریزی	۱۷۸
۲-۳. میرزا عبد الرحیم طالبوف	۱۸۴
۴. گفتمان غرب گرا	۱۸۸
۱-۴. میرزا ملکم خان ناظم الدوله	۱۸۹
۲-۴. میرزا فتحعلی آخوند زاده	۱۹۴
نتیجه گیری	۱۹۸
منابع	۱۹۸
گفتار ششم: مقایسه متمم قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر مسئله	
آزادی / سید محمد رضا احمدی طباطبایی، اسحاق سلطانی	۲۰۱
چکیده	۲۰۱
مقدمه	۲۰۲
۱. روش پژوهش	۲۰۲
۱-۱. چهارچوب تحلیلی مک کالم در باب آزادی	۲۰۳

۲۰۵	۲. چرایی بحث از آزادی
۲۰۵	۱-۲. مقدمات تاریخی بحث از آزادی
۲۰۹	۲-۲. «چرایی» در انقلاب مشروطه
۲۱۲	۳-۲. «چرایی» در انقلاب اسلامی ایران
۲۱۴	۳. «چیستی» معنای آزادی
۲۱۵	۱-۳. «چیستی» آزادی در متمم قانون اساسی مشروطه
۲۱۵	۳-۱-۱. دوگانه کنشگر (فاعل آزاد) - مانع (ایجابی) آزادی
۲۱۵	الف. کنشگر فردی آزاد
۲۱۷	ب. کنشگران غیرفردی آزاد
۲۱۷	۳-۱-۲. غایت آزادی
۲۱۸	۳-۲. «چیستی» آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی
۲۱۹	۳-۱-۲. دوگانه کنشگر (فاعل آزاد) - مانع (ایجابی) آزادی
۲۱۹	الف. کنشگر فردی آزاد
۲۲۱	ب. کنشگران غیرفردی آزاد
۲۲۲	۳-۲-۲. غایت آزادی
۲۲۲	۳-۳. مقایسه «چیستی» آزادی در قوانین اساسی
۲۲۳	۴. چگونگی
۲۲۳	۴-۱. «چگونگی» تحقق آزادی در متمم قانون اساسی مشروطه
۲۲۴	۴-۲. «چگونگی» تحقق آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی
۲۲۶	نتیجه‌گیری
۲۲۷	منابع
۲۳۱	گفتار هفتم: آزادی در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی / مهدی نادری باب اناری
۲۳۱	چکیده
۲۳۲	مقدمه
۲۳۳	۱. ماهیت آزادی
۲۳۹	۲. ارزش آزادی
۲۴۲	۳. حدود آزادی

۴. مصادیق آزادی	۲۴۵
۴-۱. آزادی رأی و حق تعیین سرنوشت	۲۴۵
۴-۲. آزادی احزاب و تشکیل اجتماعات	۲۴۸
۴-۳. آزادی عقیده	۲۵۱
۴-۴. آزادی بیان	۲۵۲
۴-۵. آزادی اندیشه	۲۵۵
نتیجه گیری	۲۵۶
منابع	۲۵۶
گفتار هشتم: نسبت عدالت و آزادی: مقایسه آراء شهید مطهری و جان رالز / علی خلیلی، محمدرضا احمدی طباطبایی	۲۵۹
چکیده	۲۵۹
مقدمه	۲۶۰
۱. وجوه اشتراک شهید مطهری و جان رالز در بحث آزادی	۲۶۶
۲. وجوه اختلاف شهید مطهری و جان رالز در بحث آزادی	۲۶۷
۳. وجوه اشتراک شهید مطهری و جان رالز در بحث عدالت	۲۷۰
۴. وجوه اختلاف شهید مطهری و جان رالز در بحث عدالت	۲۷۲
۵. وجوه اشتراک شهید مطهری و جان رالز در بحث نسبت عدالت و آزادی	۲۷۳
۶. وجوه اختلاف شهید مطهری و جان رالز در بحث نسبت عدالت و آزادی	۲۷۷
نتیجه گیری	۲۸۱
منابع	۲۸۱
گفتار نهم: آزادی در آراء و اندیشه های آیت الله جوادی آملی / مهدی نادری باب اناری	۲۸۵
چکیده	۲۸۵
مقدمه	۲۸۶
۱. آزادی در منظومه فکری آیت الله جوادی آملی	۲۸۷
۱-۱. ماهیت آزادی	۲۸۷
۱-۲. آزادی تکوینی و تشریعی	۲۸۹
۱-۳. تفاسیر چندگانه از آزادی	۲۹۱
۱-۴. ارزش آزادی	۲۹۵

۲۹۶.....	۵-۱. حدود آزادی
۲۹۹.....	۶-۱. آزادی عقیده
۳۰۱.....	۲. آزادی در نظامنامه حقوق بشر از منظر آیت الله جوادی آملی
۳۰۳.....	۳. آزادی در نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر آیت الله جوادی آملی
۳۰۷.....	نتیجه گیری
۳۰۸.....	منابع
گفتار دهم: تحول انگاره «آزادی» در ساخت دولت و نظام سیاسی تسنن /	
۳۱۱.....	حسن مجیدی، مهدی نادری باب اناری
۳۱۱.....	چکیده
۳۱۲.....	مقدمه
۳۱۳.....	۱. امتناع انگاره آزادی در ساخت امپراتوری
۳۱۳.....	۱-۱. امپراتوری امویان
۳۱۷.....	۲-۱. خلافت عباسیان
۳۲۲.....	۳-۱. امپراتوری عثمانی
۳۲۸.....	۲. امکان انگاره آزادی در ساخت دولت
۳۲۹.....	۱-۲. ساحت نظری
۳۲۹.....	۱-۱-۲. عابد الجابری
۳۳۲.....	۲-۱-۲. راشد الغنوشی
۳۳۵.....	۳-۱-۲. یوسف قرضاوی
۳۳۸.....	۲-۲. ساحت عملی
۳۳۸.....	۱-۲-۲. آزادی به مثابه اراده عمومی ملت عرب
۳۴۰.....	نتیجه گیری
۳۴۱.....	منابع
۳۴۵.....	گفتار یازدهم: آزادی و امنیت / اصغر افتخاری
۳۴۵.....	چکیده
۳۴۶.....	مقدمه
۳۴۶.....	۱. عناصر مفهومی

۱-۱. آزادی.....	۳۴۷
۱-۱-۱. رویکرد لیبرالی.....	۳۴۷
الف. آزادی منفی.....	۳۴۷
ب. آزادی مثبت.....	۳۴۷
۱-۲. رویکرد اسلامی.....	۳۴۹
۲-۱. امنیت.....	۳۵۰
الف. گفتمان سلبی: امنیت به مثابه نبود تهدید.....	۳۵۰
ب. گفتمان ایجابی: امنیت به مثابه رضایت.....	۳۵۱
۲. سازمان معنایی.....	۳۵۱
۱-۲. سازمان معنایی «امنیت محور».....	۳۵۱
الف. الگوی آزادی حداقلی.....	۳۵۲
ب. الگوی ابزاری آزادی.....	۳۵۲
۲-۲. سازمان معنایی «آزادی محور».....	۳۵۳
الف. الگوی «امنیت مشارکتی».....	۳۵۳
ب. الگوی «امنیت ساختنی».....	۳۵۴
۳. نظریه تعامل در چهارچوب.....	۳۵۵
۱-۳. ارکان معرفتی.....	۳۵۵
۲-۳. تأسیسات حقوقی.....	۳۵۶
۱-۲-۳. تعریف سازمان حقوقی امنیت برای تعیین حدود آزادی.....	۳۵۶
الف. قوانین / حقوق امنیت ملی.....	۳۵۶
ب. قوانین عادی امنیت.....	۳۵۷
۲-۲-۳. تعریف سازمان حقوقی آزادی برای منضبط نمودن امنیت.....	۳۵۷
الف. حقوق انسانی.....	۳۵۷
ب. حقوق شهروندی.....	۳۵۸
نتیجه گیری.....	۳۵۸
یادداشت ها.....	۳۵۹
منابع.....	۳۶۰
نمایه.....	۳۶۵

فهرست جدول‌ها

جدول ۸-۱: وجوه اشتراک شهید مطهری و رالزدر بحث آزادی	۲۷۹
جدول ۸-۲: وجوه افتراق شهید مطهری و جان رالزدر بحث آزادی	۲۷۹
جدول ۸-۳: وجوه اشتراک شهید مطهری و رالزدر بحث عدالت	۲۸۰
جدول ۸-۴: وجوه افتراق شهید مطهری و جان رالزدر بحث عدالت	۲۸۰
جدول ۸-۵: وجوه اشتراک شهید مطهری و جان رالزدر باره نسبت عدالت و آزادی	۲۸۱
جدول ۸-۶: وجوه افتراق شهید مطهری و جان رالزدر باره نسبت عدالت و آزادی	۲۸۱
جدول ۱۰-۱: مقایسه توزیع قدرت در ساخت امپراتوری و انگاره آزادی	۳۲۷

فهرست شکل‌ها

شکل ۳-۱: مراحل هرمنوتیک اسکینر	۹۰
شکل ۸-۱: نسبت خواسته‌های فرد با رشد و کمال او در عموم انسان‌ها	۲۶۸
شکل ۸-۲: نسبت خواسته‌های فرد و رشد و کمال او در انسان کامل	۲۶۹
شکل ۸-۳: نسبت عدالت و آزادی از نظر شهید مطهری	۲۷۷
شکل ۸-۴: نسبت عدالت و آزادی از نظر رالز	۲۷۸

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقول‌های محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

والله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



پیشگفتار

آزادی در کنار استقلال و جمهوری اسلامی از شعارهای اساسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است. آزادی سیاسی و اقتصادی از جمله مصادیق بارز تحقق چنین آرمانی در صحنه عمل است. آزادی به مثابه اختیار عمل و دوربودن از تحمیل‌ها و موانع برای رسیدن به اهداف و خواسته‌ها در تحقق عینی خود به دلیل تزامن با آزادی‌های دیگران دچار محدودیت می‌شود. چنین واقعیتی نگرش به آزادی را در جوامع مختلف با چالش‌های گوناگونی مواجه کرده است. اگرچه در صحنه بین‌الملل شکاف فاحشی میان حرف تا عمل مکاتب سیاسی و فکری غرب که مدعی پیشگامی آزادی در عصر حاضر هستند، دیده می‌شود و آزادی و استقلال عمل دولت‌ها به دلیل تلاش برای سیطره قدرت‌های بزرگ نقض می‌شود؛ اما باین حال آزادی به خصوص در بعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن از دستاویزهای فشارهای سیاسی بر جمهوری اسلامی در طول حیات آن بوده است. اگرچه برخی محدودیت‌های ناموجه یا عملکردهای سلیقه‌ای، بهانه تهاجم تبلیغاتی بر ضد جمهوری اسلامی ایران را بیشتر کرده است؛ اما آنچه مسلم است در اندیشه و آرای متفکران و مراجع فکری آزادی نقش و جایگاه بلندی دارد. چنان‌که اساساً ایده این کتاب از برگزاری نشست اندیشه‌های راهبردی درباره آزادی در حضور رهبرانقلاب شکل گرفت.

اصل نهم قانون اساسی که موقعیت و جایگاه بلندی دارد در اینجا اهمیت و راهبردی

بودن خود را نشان می‌دهد. براساس این اصل در جمهوری اسلامی ایران آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

نگاهی به قانون برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران که از سال ۱۴۰۳ به مدت ۵ سال مسیر حرکت مجموعه نهادهای نظام را مشخص می‌کند؛ نشان‌دهنده بی‌توجهی به این مقوله مهم است در هیچ فصل و بندی از این قانون؛ ارتقای آزادی‌ها دیده نمی‌شود، و در فصل مربوط به سیاست داخلی صرفاً چند هدف مؤجز برای ارتقای سرمایه اجتماعی مصوب شده است.

در جهت کمک به ارتقای آزادی‌های عمومی در کشور و ارتقاء و تقویت اجرای اصل نهم از قانون اساسی به خصوص با توجه به موقعیت بالای آزادی؛ کتاب حاضر کوشیده است با فراهم آوردن مجموع‌های از مقالات به جایگاه آزادی در میان متفکران بپردازد. سه مقاله نخست به آزادی در غرب و از آن پس به آزادی در اندیشه سیاسی اسلام و ایران اختصاص دارد. در چینش مقالات کوشش شده است تا سیر تاریخی و انسجام موضوعی مباحث رعایت شود تا خواننده ضمن آشنایی با نظرهای گوناگون؛ امکان سیر مطالعاتی مختصری از آزادی را در اندیشه غرب و اسلام پیدا کند؛ البته پیدا است که اندیشه سیاسی فلاسفه اسلامی در این بین دیده نشده است و یا به جز یک مقاله، متفکران اهل سنت مورد واکاوی قرار نگرفته‌اند. چنین واقعیتی با وجود خلایی نظری که ممکن است به چشم بیاید؛ اما با هدف این نوشتار چندان هم دور از انتظار نبوده است. هدف این نوشتار فراهم آوردن مجموعه مقالاتی است که بتواند در جهت تدوین منظومه‌ای نظری جامع از آزادی برای کاربرت در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد؛ لذا این کتاب نقاط تأکید و متفکران محوری را مد نظر قرار داده است. نویسندگان مقالات بیشتر در مراتب بالای دانشگاهی در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

هستند و از این جهت تلاش درخوری داشته‌اند. ضمن پوزش از نویسندگان بزرگوار به دلیل تأخیر طولانی در تدوین و ویرایش این مقالات، مراتب تقدیر و سپاس خود را تقدیم این عزیزان می‌کنم.

از مسئولان محترم معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که با شکیبایی با تمديد چندباره قرارداد این کتاب موافقت کردند؛ از همکاران پرتلاش دانشگاهی به خصوص آقایان رضا دیبا، رضا عبداللهی بجندی، محمد حسین بصیری و عباس رجبی در اداره تولید و نشر دانشگاه که در آماده‌سازی و اصلاح و ویرایش اثر همکاری کردند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

حسن مجیدی

فروردین ماه ۱۴۰۴



مقدمه

دستیابی به منظومه‌ای جامع از مفهوم، مصادیق، ابعاد و راهکارهای تحقق و ارتقای آزادی در نظام جمهوری اسلامی از جمله ضرورت‌های توسعه سیاسی است. طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ محمل و عرصه نظری و زمینه مناسبی فراهم آورده است تا پس از گذشت ۴ دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی و آزادی به منزله یکی از آرمان‌ها و شعارهای اصلی انقلاب اسلامی در کنار دیگر ارزش‌های اساسی همچون عدالت، امنیت، استقلال و معنویت در مسیر پیشرفت؛ جایگاه و منزلت بایسته خود را بیابد. طی دوره‌های مختلف پس از انقلاب به دلیل اقتضائات زمان جنگ تحمیلی و یا نیازهای اساسی در عرصه توسعه اقتصادی به جز یک دولت؛ توسعه سیاسی و ارتقای شاخص‌های آزادی از اولویت‌های مورد توجه دولت‌ها نبوده است. چنین واقعیتی به تعبیر رهبرانقلاب در نخستین نشست‌های اندیشه‌های راهبردی ضرورت تدوین منظومه‌ای فکری از آزادی را دوچندان کرده است. منظومه‌ای که ضمن سیراب شدن از سرچشمه‌های دینی؛ قابلیت کاربست در صحنه عمل و زندگی سیاسی را داشته باشد.

به تعبیر مرحوم دکتر فیرحی، سه مفهوم متفاوت و همبسته از آزادی در اندیشه اسلامی را می‌توان تشخیص داد: مفهوم کلامی آزادی، مفهوم اخلاقی آزادی، و مفهوم فقهی آزادی. مفهوم کلامی آزادی ناظر و ناشی از درکی هستی‌شناسانه از ماهیت انسان و اختیار اوست. شیعیان از نظر کلامی جزء عدلیه هستند و عدلیه در جدال جبر و اختیار؛ البته بر

مدار اختیار می‌چرخند. بدین سان، پذیرش عدل الهی شیعه را ناگزیر به قول به آزادی، رهنمون می‌سازد. مفهوم اخلاقی آزادی: در روایتی اخلاقی از امام صادق (ع) نقل شده که پنج خصلت است که اگر کسی یکی از آن‌ها را نداشته باشد، سود کثیری در او نخواهد بود: وفا، تدبیر، حیا، اخلاق نیکو و پنجمی که حاوی همه این خصال است، آزادی است. یا در روایتی از حضرت علی (ع) تأکید می‌شود که بنده دیگران مباش که خدا تو را آزاد آفریده است. در جای دیگری نیز از ایشان نقل شده است: آزادگان پاداشی جزء احترام ندارند.

در دیدگاه امام راحل، آزادی، بزرگترین موهبت الهی است. چنین منزلتی برای آزادی؛ نویسندگان مجموعه مقالات این کتاب را بر آن داشت تا هریک از منظری به مذاقه و کاوش در ابعاد مفهومی نظری و عملی آزادی بپردازند. کتاب به دو بخش تقسیم شده است. در بخش نخست در سه گفتار به مفهوم و جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی غرب پرداخته شده است. بخش دوم به جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی اسلام و ایران پرداخته شده است. در گفتار نخست از بخش اول به جایگاه «آزادی» در فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو پرداخته شده است. سنخ اندیشه‌ورزی متفکر یا فیلسوف بی ارتباط با شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که متفکر در آن روزگار سپری می‌نماید؛ نیست. درواقع، فیلسوف ناظر بر محیط زمینه و زمانه خود، به صورت سلبی و ایجابی به تأمل در رابطه با موضوعات کلانی می‌پردازد که زندگی بشر در ارتباط با آن معنا پیدا می‌کند. تفاوت تمدن‌های شرقی با غربی در نوع نگاه به مقوله آزادی و ماهیت آن ارتباط وثیقی به این امر دارد. درواقع، «امر آزادی» برای شهروندان آتن و به صورت خاص نخبگان فکری آن در تمدن یونان باستان «مسئله نظری و عملی» قلمداد می‌شده است. چنین امری سبب شده تا امکان فلسفیدن در رابطه با امر آزادی به مثابه امری حیاتی و ضروری در تمدن یونان باستان فراهم آید. از یک سو، سامان سیاسی مردم سالارانه با هسته آزادی در کنار سایر سامان‌های سیاسی رقیب، شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آزادمانه سوای از پیامدهای مثبت یا منفی را فراهم ساخته است و از سوی دیگر، نزاع نظری در میان نخبگان فکری در راستای رد، تأیید یا تعدیل امر آزادی، زمینه فلسفیدن به «مسئله

آزادی» و فربه شدن آن نسبت به سایر تمدن‌های رقیب را فراهم ساخته است. به نظر می‌رسد این دو امر، فارغ از تفاوت‌های معرفتی در تمدن اسلامی وجود نداشته است. در این مقاله با برشمردن معانی مختلف آزادی در یونان باستان با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک اسکینر به بررسی جایگاه آزادی به مثابه وصف جنس و فعل انسان و حکومت در اندیشه افلاطون و ارسطو پرداخته شده است.

در فصل دوم دکتر فرشاد شریعت استاد اندیشه سیاسی به تحول مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی غرب پرداخته است. به نظری آزادی مفهومی انتزاعی است که بیشتر با محدودیت‌های آن قابل فهم است. با نگاه امروز در فلسفه کهن، آزادی در مقابل بردگی معنا می‌شود؛ با همین معنا در فلسفه میانه و در پرتو ظهور مسیحیت، آزادی از بردگی، جای خود را به آزادی در بندگی می‌دهد. حتی در دوره جدید و در تقابل با نهضت مدرسه، و در ادامه حق الهی پادشاهان هم همین تعبیر تا حد زیادی در پرتو حاکمیت دولت متجلی شد تا اینکه در قرن هفدهم مفهوم و معنای آزادی با تحول اساسی مواجه شد و در پرتو تعامل دنیای سنتی و چالش‌های برخاسته از دین، علم، اقتصاد و سیاست حاصل از سده‌های قبل از آن، حداقل در حوزه نظری معنایی کاملاً متفاوت، و غیروابسته به حکومت پیدا کرد. این آزادی یعنی آزادی در پرتو «حکومت در قانون» که با آنچه که معمولاً و در شکل انحرافی آن در عرصه عمل به «حکومت با قانون» تبدیل می‌شود، بسیار متفاوت است. این مقاله روش تحلیلی و مقایسه‌ای را برای پاسخ به چرایی و چگونگی مفهوم آزادی، در دو دوره قدیم و جدید در اندیشه سیاسی غرب برگزیده است و نشان می‌دهد که چرا و چگونه این مفهوم از آزادی در غرب جدید، از معنای باستانی و کلاسیک قدیم فاصله گرفته است.

مجیدی و سلطانی در گفتار سوم این کتاب به بررسی تفکیک آزادی منفی از آزادی مثبت در آراء آیزایا برلین بر مبنای هرمنوتیک کوئنتین اسکینر پرداخته‌اند. برلین با طرح وحدت‌انگاری به عنوان ریشه اصلی عقاید توتالیتار، نگرانی خود از زمینه مساعد آزادی مثبت برای منحرف شدن از معنای راستین خود را توضیح داده و با تفکیک آن از آزادی منفی، خطرهای ناشی از حکومت چنین عقایدی را بازگو می‌کند. با بررسی آزادی

در اندیشه آیزیا برلین بخش نخست پایان می‌یابد. در بخش دوم که عمده حجم کتاب را شامل می‌شود به آزادی در اندیشه سیاسی اسلام و ایران پرداخته شده است. گفتار نخست از این بخش به آزادی سیاسی در اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) اختصاص دارد. دکتر جلال درخشه استاد اندیشه سیاسی و دکتر جبار شجاعی نویسندگان این مقاله بر این باورند که اصل توحید به عنوان سنگ آسیاب فلسفه سیاسی اسلام، سبب شده است تا در این نگرش، تمامی مسائل زندگی از جمله آزادی و آزادی سیاسی با عنایت به این اصل معنی و مفهوم یابند. از این روانسان در نظام فلسفه سیاسی اسلام، فردی است با فطرتی خدا آشنا که در جامعه سیاسی آزاد گردهم می‌آیند و از آنان جز عمل به مقتضای فطرتشان انتظاری نمی‌رسد. ایجاد مانع در برابر آزادی سیاسی مردم، برخلاف اصل فطرت است؛ لذا حکومت موظف است که شرایط لازم برای به فعلیت رساندن استعداد های فطری انسان از جمله آزادی را فراهم آورده و از این طریق مقدمات ضروری برای رفتار های سیاسی را در جامعه مهیا سازد.

نویسندگان مقاله بعدی با عنوان مطالعه تطبیقی اندیشه آزادی در آراء علماء و روشنفکران مشروطه به آزادی در دوره مشروطه که نقطه ورود اندیشه های آزادی خواهانه از فرنگ است؛ پرداخته اند. از منظر دکتر جمالزاده و نعمتی؛ انقلاب مشروطه به عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران عرصه ظهور مفاهیم جدید سیاسی در ایران بود مفهوم آزادی برای اولین بار در ادبیات مشروطه به طور گسترده ظاهر شد. اگرچه ظهور مصادیقی از این مفهوم در آراء اندیشمندان پیش از مشروطه قابل پیگیری است؛ اما مفهوم آزادی به معنای جدید آن در انقلاب مشروطه رشد و نمو کرد. با این حال، اندیشه آزادی در معنای جدید آن در همان ابتدا در بین اندیشمندان چالش برانگیز بود و بخش قابل توجهی از نزاع های مشروطه ناظر بر تفاوت در ماهیت چنین برداشتی از مفهوم آزادی بوده است. این مقاله در یک مطالعه تطبیقی در سه سطح اسلام گرایان، ملی گرایان و غرب گرایان آراء آن ها درباره آزادی را مورد بررسی قرار می دهد.

دکتر احمدی طباطبایی و دکتر سلطانی در گفتار بعدی به مقایسه متمم قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر مسئله آزادی پرداخته اند.

در این گفتار تلاش شده به صورت تطبیقی به بررسی مسئله آزادی در متمم قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان دو مورد از اصلی ترین محصولات نظری دو انقلاب تحول آفرین ایران در دوره معاصر، پرداخته شود. برای نیل به این مقصود از الگوی سه وجه «چرایی، چیستی و چگونگی» برای انجام مقایسه بهره برده شده است. در وجه «چرایی» زمینه ای که باعث ورود آزادی به این قوانین شده مورد مذاقه قرار گرفته و درواقع به این سؤال پرداخته شده که چرا آزادی در قوانین موصوف برجسته شده و در شاکله آن مورد امعان نظر جدی قرار گرفته است. در وجه «چیستی»، تعریفی که از آزادی در این قوانین انعکاس یافته استخراج شده و جهت تبیین بهتر موضوع از چهارچوب تحلیلی جerald سی مک کالم پیرامون آزادی استفاده شده است. براساس رویکرد وی برای تحلیل موضوع می بایست به سه مؤلفه تحلیلی کنشگر (فاعل)، مانع و غایت پرداخته شود. در وجه «چگونگی» به زمینه های حضور آزادانه مردم برای فعالیت در عرصه سیاست و اجتماع که در متن این قوانین پیش بینی شده پرداخته و نشان داده شده که تعاریف موجود از آزادی چگونه در این قوانین وجه عینی و عملیاتی یافته است. دکتر نادری در مقاله دیگر خود به جایگاه آزادی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی پرداخته است. رویکرد بلند حضرت امام خمینی (علیه السلام) در نامیدن آزادی به عنوان بزرگترین موهبت خدا به بشر از تحولی تازه در رویکرد متفکران مسلمان به آزادی حکایت دارد. آزادی تعیین سرنوشت؛ آزادی انتخاب و آزادی در برابر سلطه قدرت ها از رئوس مهم معنا و مفهوم آزادی در نگاه امام خمینی (علیه السلام) است که البته با حدود و ثغوری در اندیشه ایشان تبیین شده است. آیت الله خامنه ای نیز ضمن اذعان به گرایش ها و نظریات گوناگون لیبرالیستی، به تفاوت عمده آزادی در منطق اسلام با آزادی در منطق غرب می پردازد. اول آنکه، در مکتب لیبرالیسم، آزادی انسان منهای حقیقتی به نام دین و خداست و لذا آزادی ریشه خدادادی ندارد. از این رو متفکران غربی به دنبال یک منشأ و ریشه فلسفی برای آزادی هستند. حال آنکه در اسلام، آزادی ریشه فلسفی دارد. از این روست که در منطق اسلام، حرکت علیه آزادی، حرکت علیه یک پدیده الهی است. به بیانی دیگر، مبارزات اجتماعی که در دنیا برای آزادی انجام می گیرد، بنا به تفکر لیبرالیسم غربی بر

مبنای «خیر همگانی» یا «خیر اکثریت» و امثال این‌ها است. در مقابل در اسلام، «مبارزه برای آزادی یک تکلیف است؛ چون مبارزه برای یک امر الهی» است. دوم آنکه، در لیبرالیسم غربی چون حقیقت و ارزش‌های اخلاقی نسبی است؛ لذا آزادی نامحدود است. از آن جهت که حقیقت ثابتی وجود ندارد؛ لذا از لحاظ معنوی و اخلاقی هیچ حدی وجود ندارد و منطقاً آزادی نامحدود است. این در حالی است که در اسلام، ارزش‌های ثابت، مسلم و حقیقی وجود دارد و حرکت در سمت آن حقیقت است که ارزش‌آفرین و کمال می‌باشد؛ بنابراین در اسلام، آزادی محدود به حقیقت و محدود به ارزش‌هاست.

بعد از طرح و شناسایی آزادی در اندیشه رهبران انقلاب، کتاب حاضر به معرفی اندیشه آزادی نزد شهید مطهری پرداخته که آیت‌الله خامنه‌ای آثار ایشان را مبنای فکری جمهوری اسلامی خوانده‌اند. این معرفی از رهگذر مقایسه اندیشه شهید مطهری با متفکر بزرگ لیبرال یعنی جان رالز صورت گرفته است. دکتر احمدی طباطبایی و دکتر خلیلی در این مقاله با عنوان نسبت عدالت و آزادی؛ مقایسه و تطبیق آراء شهید مطهری و جان رالز پرداخته‌اند. به نظر نویسندگان، برخی اندیشمندان در خصوص نسبت عدالت و آزادی معتقدند همه ارزش‌های بشری از جمله عدالت و آزادی با یکدیگر ناسازگارند و ضرورتاً عدالت یا آزادی باید به نفع دیگری محدود شود. در مقابل برخی از متفکران معتقدند تعارضی میان ارزش‌های بشری از جمله عدالت و آزادی وجود ندارد. عدالت و آزادی به‌طور همزمان قابل تحقق‌اند و نیاز نیست یکی به نفع دیگری محدود شود. با وجود تفاوت‌های این دو اندیشمند مسلمان و لیبرال؛ هر دو اندیشمند آزادی را در وجه سلبی آن یعنی نبود مانع تعریف می‌کنند، و هر دو، بر ضرورت آن تأکید دارند. به نظر هر دو، آزادی نمی‌تواند نامحدود باشد و لازم است برای آزادی حدود و قیودی معین شود. دو اندیشمند، آزادی در تعیین سرنوشت، آزادی بیان، آزادی‌های سیاسی شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، آزادی تعیین شغل و حق مالکیت را - علی‌رغم اختلاف در دامنه آن‌ها از مصادیق آزادی می‌دانند. با این حال از نظر شهید مطهری آزادی نبود مانع در مسیر رشد و کمال فرد است. ولی جان رالز، آزادی را نبود مانع در برابر خواسته‌های

فرد می‌داند. از نظر مطهری دلایلی که سبب محدود شدن آزادی می‌شوند عبارت‌اند از آزادی دیگران و مصالح فرد. دلایلی که سبب محدود شدن آزادی از نگاه جان رالنز می‌شوند عبارت‌ند از: آزادی دیگران، نظم و امنیت و اصول عدالت.

دیگر شاگرد علامه طباطبایی و امام خمینی (علیه السلام) یعنی آیت‌الله جوادی آملی هم دیدگاه‌هایی همسوبا استادانش درباره آزادی دارد. دکتر نادری در مقاله آزادی در آراء و اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی به تشریح دیدگاه وی درباره آزادی پرداخته است. به اعتقاد آیت‌الله جوادی آملی، نقش مهم آزادی و استقلال در سرنوشت ملت‌ها، به گونه‌ای است که «به نعمت رهایی از ستم» به عنوان صدر نعمت‌های اعطایی به بنی اسرائیل یاد شده است. به اعتقاد آیت‌الله جوادی آملی، در بررسی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» موادی همچون آزادی، امنیت عمومی، رفاه، آموزش و پرورش دیده می‌شود که بعضی از مواد حقوقی آن اعلامیه ظاهراً با تعالیم حقوقی اسلام هم‌نوا و هماهنگ‌اند. نویسنده در ادامه مقاله، حوزه‌ها و محدودیت‌های آزادی از نگاه این حکیم نوصدرایی را تشریح می‌کند.

تنها مقاله‌ای که در گزارشی کوتاه اما گویا به مقوله آزادی در متفکران اهل سنت پرداخته؛ مقاله تحول انگاره «آزادی» در ساخت دولت و نظام سیاسی تسنن است. نویسندگان آورده‌اند که مقوله آزادی در نظام سیاسی اهل تسنن در چهارده قرن گذشته با فراز و نشیبی خاص مورد اهتمام نخبگان سیاسی، عموم مردم و نظام سیاسی بوده است. در دوران خلفا و حکمرانی امام علی (علیه السلام)، مسلمانان کم‌وبیش در قالب قواعدی مانند «بیعت، امر به معروف و نهی از منکر، شورا والنصیحه للائمة المسلمین» در کسب، توسعه، حفظ و کنترل قدرت سیاسی مشارکت داشتند. ایمان و عمل مسلمانان در چهارچوب قواعد یادشده، آزادی‌های عمومی و سیاسی ایشان را به رسمیت شناخته بود. به تدریج با روی کار آمدن امویان و تبدیل نظام خلافت به ملوکیت، قواعد یادشده به حاشیه رفتند و از اساس، آزادی‌های عمومی و سیاسی خدشه دار شدند؛ چنین روندی در دوران خلافت عباسیان با نفوذ و تأثیرپذیری از نظام سلطنت ایرانی ادامه یافت و هرگونه مخالفت با روند جاری خلافت، خلاف شرع دانسته و سرکوب شد. در اواخر امپراتوری عثمانی، مسلمانان با مظاهر تمدن غرب، مواجه شدند و به تدریج در گروهی از

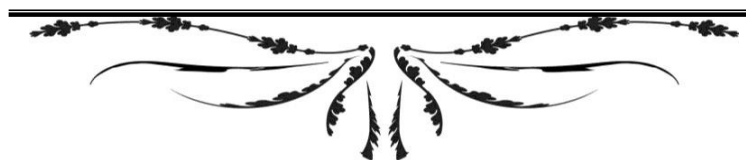
نخبگان فکری، زمینه بازنگری و بازاندیشی در سنت، فراهم شد. در دیدگاه‌های نخبگان فکری (عابد الجابری، راشد الغنوشی و یوسف قرضاوی) نشانه امکان و در مقابل ظهور گرایش‌های سلفی جریان‌هایی مانند داعش و طالبان؛ سویه اقتدارگرایانه و آزادی‌ستیزانه؛ فکر معاصر اهل سنت را نشان می‌دهد.

پایان بخش مقالات کتاب گفتاری است با عنوان آزادی و امنیت که دکتر اصغر افتخاری استاد علوم سیاسی و صاحب نظریه «امنیت اجتماعی شده»؛ نوشته است با توجه به نقش راهبردی فضایل در مدیریت زندگی اجتماعی و سیاسی، این پرسش که در صورت بروز تداخل یا تعارض بین فضایل، چگونه می‌توان موضوع را مدیریت نمود، دغدغه‌ای دیرین در حوزه مباحث فلسفه سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آید که از ارزش نظری و راهبردی برخوردار است. در این مقاله، نویسنده از نسبت دو فضیلت مهم آزادی و امنیت سؤال نموده که در طول تاریخ عمدتاً با اولویت بخشی به امنیت و تأسیس نظام‌های بسته، حل و فصل شده است. محقق جهت تحلیل ابعاد مختلف موضوع، با استفاده از روش تحلیلی و طراحی الگویی ترکیبی مبتنی بر نظریه‌های «امنیت ایجابی-سلبی» و «آزادی مثبت-منفی» تلاش نموده تا نسبت مطلوب بین این دو را تبیین و ارائه نماید. یافته‌های محقق، بیانگر کاستی نظریه‌های تک بُعدی هر دو رویکرد لیبرالیستی و واقع‌گرایی است و در نهایت، رویکردی تعاملی را با عنوان «نظریه امنیت در چهارچوب» با رعایت جایگاه راهبردی آزادی پیشنهاد می‌نماید.



بخش اول:

آزادی در اندیشه سیاسی غرب





گفتار اول:

جایگاه «آزادی» در فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو

حسن مجیدی*

مهدی نادری باب اناری**

چکیده

سنخ اندیشه ورزی متفکریا فیلسوف بی ارتباط با شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که متفکر در آن روزگار سپری می نماید؛ نیست. درواقع، فیلسوف ناظر بر محیط زمینه و زمانه خود، به صورت سلبی و ایجابی به تأمل در رابطه با موضوعات کلانی می پردازد که زندگی بشر در ارتباط با آن معنا پیدا می کند. تفاوت تمدن های شرقی با غربی در نوع نگاه به مقوله آزادی و ماهیت آن ارتباط وثیقی به این امر دارد. درواقع، «امرآزادی» برای شهروندان آتن و به صورت خاص نخبگان فکری آن در تمدن یونان باستان «مسئله نظری و عملی» قلمداد می شده است. چنین امری سبب شده تا امکان فلسفیدن در رابطه با امر آزادی به مثابه امری حیاتی و ضروری در تمدن یونان باستان فراهم آید. از یک سو، سامان سیاسی مردم سالارانه با هسته آزادی در کنار سایر سامان های سیاسی رقیب، شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آزاد مآبانه سوای از پیامدهای مثبت یا منفی را فراهم ساخته است و از سوی دیگر، نزاع نظری در میان نخبگان فکری در راستای رد، تأیید یا تعدیل امرآزادی، زمینه فلسفیدن به «مسئله آزادی» و فریه شدن آن نسبت به سایر تمدن های رقیب را فراهم ساخته است. به نظر می رسد این دوا مر، فارغ از تفاوت های معرفتی در تمدن اسلامی وجود نداشته است. در این مقاله با برشمردن معانی مختلف آزادی

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز

در یونان باستان با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک اسکینر به بررسی جایگاه آزادی به مثابه وصف جنس و فعل انسان و حکومت در اندیشه افلاطون و ارسطو پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آزادی، فلسفه سیاسی، تمدن یونان باستان، افلاطون، ارسطو.

مقدمه

از مهمترین مفاهیم فلسفه سیاسی «آزادی» است. پیشینه مفهوم آزادی در فلسفه سیاسی غرب، به یونان باستان بازمی‌گردد و متفکران آن عصر از زمانی که موضوع انسان را در مرکز فکر یونانی قرار دادند، تلاش نمودند به وجوه متعالی از معرفت انسانی نیز دست یابند. بی‌تردید در میان مفاهیم کلانی از قبیل عدالت، اخلاق و سعادت، مفهوم آزادی نیز از مفاهیمی بوده است که ذهن اندیشمندان یونانی را هر چند نه به گونه‌ای مستقیم به خود مشغول کرده است. در دوره‌های بعد که رگه‌های اندیشه‌ورزی یونان باستان به مثابه آبخوری فلسفی به تمدن‌های رومی و اسلامی انتقال یافت؛ به نظر می‌رسد وجوهی از این مفهوم در عرصه سیاست، حداقل برای مسلمانان نامأنوس و حتی غیرقابل پذیرش بوده است. این امر به گونه‌ای در فلسفه سیاسی اسلام نمود پیدا کرد که تا حال حاضر، کمتر و یا حتی هیچ‌یک از فلاسفه به طور عام و فلاسفه سیاسی به طور خاص، نمی‌توان یافت که به صورت مجزا به مسئله «آزادی» پرداخته باشند. به نظر می‌رسد چنین امری از یک سو، حکایت از «یافت و ساخت جامعه» و از سوی دیگر «مسئله بودن / نبودن آزادی» برای جامعه داشته باشد. در این رابطه چنین فرضی را می‌توان در نظر گرفت: لازمه فلسفیدن به مقوله آزادی این است که «مسئله آزادی»، از مسائل مهم و ضروری آن جامعه باشد. به عبارت دیگر، تأمل در باب آزادی در جوامعی که «مسئله آزادی» اولویت داشته است به صورت سلبی یا ایجابی «امکان» دارد.

این نوشتار درصدد است با تدقیق در مباحث فلسفی دو اندیشمند شهیر یونان باستان، افلاطون و ارسطو، به بررسی وجوه مفهومی آزادی در فلسفه این دو متفکر کلاسیک بپردازد. برای این منظور، با به کارگیری روش هرمنوتیک اسکینر تلاش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود: «در فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو مفهوم و مقوله آزادی

و بخصوص آزادی سیاسی چه جایگاهی داشته است؟».

۱. مبانی مفهومی

آزادی یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم و ارزش‌های سیاسی در فلسفه سیاسی بخصوص در دوره نوین است. از نظر لغوی آزادی حاصل مصداق است که شاید بیش از این حالت در وجه وصفی آن یعنی «آزاد» برای توصیف انسان یا فعل انسانی به کار رفته است. «ریشه واژه آزادی در کلمه کلدانی سریانی ازات (azat) متعلق به قرن پنجم پیش از میلاد است. این واژه در فارسی باستانی به معنی نجابت عفت و شرف بود. در ایران پس از اسلام، آزادی با تأثیرپذیری از واژه حربه معنای آزادگی و نفی سرسپردن به قدرت و زور را پیدا کرد» (منوچهری، ۱۳۸۵: ۲۴ به نقل از روزنتال، ۱۳۷۹). در لغتنامه دهخدا مقابل واژه آزادی کلماتی مانند عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار و قدرت عمل و ترک عمل قدرت انتخاب آمده است. (<http://www.loghatnaameh.org>). مک کالوم با تفکیک میان «مفهوم» و «برداشت‌ها» از آزادی مفهوم آزادی را جهان‌شمول دانسته و برداشت‌ها را متفاوت دانسته است. از نظری هر جمله و عبارتی که درباره آزادی گفته می‌شود، دارای سه عنصر است: آزادی همیشه رهایی و آزادی چیزی و یا کسی از چیزی یا مانعی برای انجام دادن چیزی و یا برخورداری از چیزی است. وی این مفهوم را به طور خلاصه در یک فرمول که به نام وی مشهور است بیان می‌کند. الف از ب آزاد است برای آنکه ج باشد یا فعل ج را انجام دهد (رک: میراحمدی، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۶). برداشت‌های مختلفی که از آزادی می‌شود دو دسته‌اند: برداشت‌هایی که ناظر به آزادی در روابط فردی و اجتماعی است و برداشت‌هایی که درباره طبیعت و سرشت انسانی است. در دسته اول برداشت‌ها: آزادی را با عناوین زیر معرفی می‌کند: فقدان مانع و رادع، اختیار و برخورداری از حق انتخاب، قدرت و برخورداری از توان مؤثر و کارا، شأن و منزلت اجتماعی و برخورداری از شرافت، در دسته دوم برداشت‌ها: آزادی به عنوان خودمختاری یا استقلال فردی، اباحیت و انجام دادن کاری که فرد می‌خواهد و صاحب اختیار و ارباب خود بودن است (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۲۸).

بنیامین کنستانت متفکر و مورخ و سیاستمدار سویسی در سخنرانی خود در سال